

خوانشی تازه در تقابل زبان رسانه و معیار و تأثیر آن بر ترجمه

۱- رضا ناظمیان* ۲- زهره قربانی**

۱- استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

۲- دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰)

چکیده

زبان مطبوعات سپر دفاعی زبان عربی معیار است، به این معنا که ساخت‌های واژگانی و بافت‌های نحوی جدیدی که از رهگذر ترجمه از زبان‌های خارجی به زبان عربی وارد می‌شوند، ابتدا در زبان مطبوعات مطرح می‌شوند و پس از پذیرش مطبوعاتی و رسانه‌ای به زبان عربی معیار راه پیدا می‌کنند. این مقاله در پی آن است تا با بر شمردن آن بافت‌ها به تفاوت‌های ساختاری این زبان با زبان عربی معیار اشاره کند و تأثیری را که می‌تواند این تفاوت‌ها بر متن ترجمه بگذارد، مورد بررسی قرار دهد. از جمله این تأثیرات منفی می‌توان به گسترش دایره اشتقاق، پیدایش تعابیر و اصطلاحات خاص، کم‌توجهی به قواعد عربی و مجوز ورود اصطلاحات خارجی و... اشاره کرد که می‌توانند باعث گمراهی مترجمان شوند. تفاوت عمده زبان مطبوعات با زبان معیار را می‌توان به صورت کلی در سه حوزه تقسیم بندی کرد: ساختارهای سهولت‌آمیز، ساختارهای وارداتی، و ساختارهای برگرفته از زبان محاوره‌ای که تأثیر زبان مطبوعات بر ترجمه بیشتر در سطح ساختارهای سهولت‌آمیز و ساختارهای وارداتی قابل بررسی و تحلیل است.

واژگان کلیدی: زبان مطبوعات، زبان معیار، اسلوب و ساختار، تراکیب، ترجمه.

* E-mail: nazemian_reza2003@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: zohreh_gh1988@yahoo.com

مقدمه

اگر بپذیریم که بخش عمده‌ای از آموزش‌دهی و آموزش‌پذیری در خارج از کلاس درس صورت می‌گیرد، باید گفت که تلویزیون، مطبوعات، رادیو و سینما کار آموزش‌دهی به مردم را بر عهده گرفته‌اند و هرچند صاحبان و متولیان این رسانه‌های جمعی و همگانی بر این امر واقف نباشند، یا به اندازه کافی دقت نکنند، حقیقت این است که کار تعلیم و تربیت از چارچوب انحصاری کتاب و معلم خارج شده، مفهوم گسترده‌تری پیدا کرده است. به طور کلی می‌توان نام فراگیری مجازی را به این وسایل گسترده همگانی داد. از سوی دیگر، زبان رسانه‌های همگانی توان آن را دارد که سطح زبان محاوره را بالا ببرد. زبان رسانه‌ها اگر از نظر واژگان و ساختار در سطح مطلوبی قرار داشته باشد، شایسته آن است که مدرسه‌ای برای زبان‌آموزی باشد؛ زیرا با استفاده مداوم از این رسانه‌ها، واژه‌ها و ساختارهای این زبان در اذهان نقش می‌بندد و به مرحله پختگی می‌رسد و توانایی تقلید شکل می‌گیرد و مخاطبان این رسانه‌ها قدرت آن را پیدا می‌کنند که در نیازهای روزمره خود از این زبان استفاده کنند.

۱. بیان مسئله

اهالی زبان مطبوعات و آنان که به زبان رسانه‌های جمعی می‌نویسند، معمولاً توجه چندانی به زبان ندارند و هدف آنان این است که مفهوم مورد نظر خود را به ساده‌ترین و سریع‌ترین وجه به خواننده خود منتقل کنند و در این میان، هیچ ابایی ندارند که از تعابیر عامیانه و یا واژگان و ساختار دستوری رایج زبان‌های بیگانه بهره بگیرند و همین امر باعث می‌شود زبان عربی معیار که یک زبان اسلوبی و ساختاری است، از ذات خود فاصله بگیرد و متن ترجمه دچار ناهماهنگی شود؛ به عبارت دیگر، زبان عربی معیار، ساختارهای ثابت و کلیشه‌ای دارد و یکی از دلایل ماندگاری زبان معیار عربی، همین ویژگی آن است. ساختار انواع نواسخ، انواع مفعول و یا اسلوب‌های تعجب، استثناء، مدح، ذم و... بدنه زبان معیار عربی را تشکیل می‌دهند که زبان رسانه به تدریج از این اسلوب‌ها فاصله می‌گیرد و اسلوب، جای خود را به کلمه می‌دهد و زبان اشتقاقی عربی به زبان ترکیبی نزدیک می‌شود که

زنگ خطر برای این زبان اصیل محسوب می‌شود. این تغییر که می‌توان از آن به «تغییر رفتار نحوی» تعبیر کرد، در ترجمه نیز انعکاس می‌یابد که مترجم باید با آگاهی از این ویژگی، در دام ساده‌نویسی زبان رسانه نیفتد و بتواند استواری ساختارهای زبان عربی را به متن ترجمه انتقال دهد.

۲. پرسش‌های پژوهش

پرسش‌هایی که در این مقاله به دنبال پاسخ آن‌ها هستیم، به شرح زیر است:

(الف) ویژگی‌های زبان مطبوعات چیست و تأثیرهای منفی آن بر زبان معیار چگونه ارزیابی می‌شود؟

(ب) تفاوت‌های ساختاری زبان مطبوعات و زبان عربی معیار چیست؟

(ج) تفاوت اسلوب و ساختار در دو زبان چه تأثیری بر ترجمه می‌گذارد؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

(الف) زبان مطبوعات، جملات کوتاه و پاراگراف‌های نه‌چندان بلند و شفاف بودن عبارت است.

(ب) شتابزدگی، کاربرد اصطلاحات عامیانه و خارجی، رعایت نکردن قواعد و... از جمله تأثیرهای منفی این زبان به شمار می‌رود. این تفاوت در اسلوب و ساختار بین دو زبان باعث می‌شود برخی از اسلوب‌های عربی و اسلوب‌های مطبوعات غربی وارد زبان فارسی شود که باید از هر دوی آن‌ها پرهیز کرد؛ مثل:

* اسلوب عربی: تعجب کردم، تعجب کردنی!

* اسلوب غربی: به شدت متعجب شدم!

* اسلوب فارسی: خیلی تعجب کردم!

(ج) تفاوت‌های ساختاری زبان مطبوعات با زبان معیار ذیل سه عنوان کلی ساختارهای سهولت‌آمیز، ساختارهای وارداتی و محاوره‌جا می‌گیرد.

۴. پیشینه پژوهش

کتاب *لغة الصحافة* تا حدی به ویژگی‌های زبان مطبوعات پرداخته است و چندین مورد از تفاوت‌های ساختاری این زبان با زبان معیار را بر شمرده است، اما به تقسیم‌بندی این تفاوت‌های ساختاری و بر شمردن نمونه‌های بیشتر نپرداخته است و کتاب *المنهجية العامة لترجمة المصطلحات و توحیدها و تنمیطها* اثر حمزوی نیز به طور پراکنده چند نمونه از تأثیرهای منفی زبان مطبوعات بر زبان معیار را نام می‌برد. حسن ذوالفقاری نیز در دو مقاله خود به الگوهای نامناسبی که در زبان مطبوعات شیوع دارد، اشاره می‌کند و آسیب‌های آن را برمی‌شمارد. وجه تمایز مقاله حاضر با کتاب‌ها و مقالات این حوزه در این است که به دقت و با ذکر جزئیات، به تفاوت‌های این دو زبان می‌پردازد و با ذکر شاهد مثال از تأثیر این تفاوت‌ها در ترجمه سخن می‌گوید.

۵. روش پژوهش

روش تحقیق در این مقاله، تحلیلی - توصیفی است؛ بدین معنا که تفاوت‌های کلی بین دو زبان مطبوعات و زبان معیار و زیرمجموعه‌های آن‌ها استخراج شده است و با ذکر شاهد مثال به تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود.

۶. زبان مطبوعات و ویژگی‌های آن

هر چند رسانه‌های گروهی بسیارند و رسانه‌های مجازی نیز به آن‌ها افزوده شده است، ولی هنوز مطبوعات، سرلوحه رسانه‌ها و مهم‌ترین و مؤثرترین ابزار خبررسانی است. از این‌رو، برای بیان آسیب‌شناسی زبان رسانه‌ها و شناخت ویژگی‌های آن در این مقوله، به جای زبان رسانه‌ها از زبان مطبوعات استفاده می‌کنیم؛ زیرا با تصویری که از نشر داریم، تناسب بیشتری دارد.

تردیدی نیست که مطبوعات نقش مؤثری در تغییر و تحول زبان عربی داشته است (ر.ک؛ خلیل، ۲۰۰۲: ۳۷) و فاصله گرفتن زبان عربی معاصر از زبان خشک، جامد و بی‌حرکت فصیح تا حدود زیادی مدیون مطبوعات است. در حقیقت، زبان مطبوعات حد

فاصل بین زبان محاوره‌ای و زبان عربی معیار است. زبان مطبوعات، سهولت، صمیمیت و همگانی بودن خود را از زبان محاوره‌ای می‌گیرد و استواری، توانمندی، عقل‌گرایی، اندیشه‌مداری و زیبایی‌های بیانی و تعبیری خود را از زبان عربی معیار می‌رساند. از این‌رو، زبان مطبوعات یا رسانه‌ها که آن را زبان و ادبیات شتابزده نیز نامیده‌اند، ویژگی‌های خاص خود را دارد.

بی‌دقتی و شتابزدگی در زبان مطبوعات باعث شده است که برخی اعتماد خود را نسبت به این زبان از دست بدهند (ر.ک؛ حیدرزاده، ۱۳۶۵: ۵۱۳). به عنوان مثال، از کلمات مترادف که تفاوت‌های جزئی دارند، به جای یکدیگر استفاده می‌کنند و بین فعل‌هایی همچون «طالَب، طَلَب، ناشد، دَعَا، التمس و...» فرق نمی‌گذارند، همچنان که بین فعل‌هایی چون «شَجَب، نَدَد، استنکر، أَنْكَرَ عَلَيَّ و...» (به معنای محکوم کردن) و نیز بین «رَكَّز، شدَّد، أَكَّد و...» (تأکید کردن) فرقی قائل نمی‌شوند.

۷. تأثیرهای منفی زبان مطبوعات بر زبان عربی معیار

تأثیرهای منفی زبان مطبوعات بر زبان عربی معیار را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) گسترش دایره اشتقاق، بدون رعایت قوانین و ضوابطی که در این زمینه وجود دارد. چنان که در منابع تخصصی آمده است (ر.ک؛ حمزوی، ۱۹۹۱م: ۱۰۳)، اشتقاق از جامد و اسم ذات فقط به هنگام ضرورت و در مواردی خاص تجویز شده است؛ مانند: «عَصْرَنَة: مدرنیسم»، «عَوْلَمَة: جهانی شدن»، «بَسْتَر: پاستوریزه کردن» و... .

ب) پیدایش تعابیر و الفاظی خاص در مطبوعات با این استدلال که این الفاظ، گوش‌نوازترند و خواننده پذیرش بهتری نسبت به آن‌ها دارد و از معادل‌های عربی فصیح راحت‌تر پذیرفته می‌شوند؛ مثل رواج فعل «یشکل» به جای «یقف» و «يقوم» و کاربرد افعال با حروف جرّ جدید و... .

ج) کم‌توجهی و بی‌اهمیت شمردن قواعد زبان عربی؛ مثل متعدی کردن فعل‌های لازم و... .

د) استفاده از الفاظ و عبارات عامیانه و غلبه دادن آن‌ها بر زبان معیار در رسانه‌های گروهی؛ مثل «عربون» به معنای «رهن، گرو و بیعانه» و... (خلیل، ۲۰۰۲: ۶۸).

ه) نوشتن اسلوب‌های جدید به تقلید از نگارش اروپایی و دور شدن از شیوه‌های عربی؛ مثل آوردن دو حرف نفی مربوط به دو زمان بر سر یک فعل و فقط یک واو در بین آن‌ها قرار دادن و و یا ذکر فاعل بعد فعل مجهول و... .

و) دادن اجازة ورود به اصطلاحات خارجی، با آنکه معادل عربی آن‌ها موجود است؛ مثل «سناریو» و... .

ز) تأکید به خطاهای شایع و بی‌توجهی به تصحیح آن‌ها با این استدلال که غلط مشهور بهتر از صحیح مهجور است؛ مثل «تتابع اضافات و فاصله انداختن بین مضاف و مضاف‌إلیه» و... (ر.ک؛ ایرانی، ۱۳۷۵: ۱۶۸).

ح) انتشار برخی از کلیشه‌های زبانی که به تدریج جا می‌افتد و همواره استعمال می‌شود؛ مانند آغاز کردن جمله با عباراتی چون «و هکذا...» یا «هذا و قد صرَّح...» یا به کارگیری ترکیبی همچون «و بالنسبة لكذا» به جای «و أمّا کذا» و... .

۸. سیر تحوّل مطبوعات

الف) در نخستین نشرهای مطبوعاتی، نوعی فاصله بین نویسنده و خواننده احساس می‌شد و جایگاه نویسنده کاملاً محفوظ می‌ماند. این فاصله به تدریج کمتر شده، نوعی صمیمیت بین نویسنده و خواننده پدید می‌آید، به گونه‌ای که گویی نویسنده حرف دل خواننده را می‌زند. این ویژگی باعث شد زبان مطبوعات به سوی سادگی و صمیمیت و دوری از آداب و تشریفات سوق پیدا کند.

ب) نویسندگان مطبوعات اغلب از رجال سیاسی و فرهنگی بودند که شهرت ایشان در زمینه‌های دیگری آشکار شده بود، این نویسندگان که اسم و رسمی در میان مردم داشتند، در مطبوعات قلم می‌زدند تا آبرو و اعتبار روزنامه یا نشریه باشند. این ویژگی به تدریج از میان رفت و در سال‌های اخیر نویسندگان مطبوعات را بیشتر افراد گمنامی تشکیل می‌دهند که در دل مطبوعات شکل می‌گیرند و می‌توان گفت با نشر مطبوعاتی

زنده می‌شوند، در هوای آن تنفس می‌کنند و هویت مطبوعاتی دارند. اینان شهرت خود را مدیون مطبوعات هستند.

ج) در آغاز نثرهای مطبوعاتی سرشار از تعبیرهای ادبی، تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه بود. نثر مطبوعاتی در واقع، نثر ادبی به شمار می‌آمد، با این تفاوت که موضوع آن، اجتماعی و سیاسی بود (ر.ک؛ شرف، بی تا: ۳۶). به این مثال‌ها که از مطبوعات کشور اردن در پنجاه سال پیش انتخاب شده است، توجه کنید:

* «إِنَّ الدَّمْعَ الَّتِي ذَرَفْتُ فِي مَجَاهِلِ التَّغْرُبِ...: اشک‌هایی که در بیابان‌های غربت فرو ریخت».

* «الحقُّ الهضم: حق پایمال شده».

* «لابدٌ و أن تُخرج ثمرًا يانعاً في حقل الحياة: ناگزیر باید به میوه‌ای رسیده در کشتزار زندگی بدل شود».

* «روحاً وثابة طاهرة تُرفرف في العلا و تحلق في الأجواء و عزيمة ماضية لاتعرف الخور: روح بلندپرواز و پاکی که در بلندا بال می‌کشد و در پهنه آسمان اوج می‌گیرد و اراده‌ای استوار که سستی نمی‌شناسد».

در حالی که یکی از ویژگی‌های زبان مطبوعات در سال‌های اخیر آن است که از آرایه‌های بیانی و تکلف‌های بدیعی خالی باشد و مطلب را در کمترین زمان و در راحت‌ترین شکل به خواننده منتقل کند. نویسنده مطبوعات در دوران دهکده جهانی، فرصت و فضایی برای اظهار فضل‌های بیانی و بدیعی ندارد و شاید مخاطبان نیز حوصله تحمل این فضل‌فروشی‌ها را نداشته باشند و این نوع فن نویسنده‌گی را به اهل آن و موقعیت مناسب آن واگذاشته‌اند.

د) نثرهای مطبوعاتی ابتدا آهنگین بود و کلمات مسجع و جمله‌های کوتاه و حساب‌شده چنان ضرب‌آهنگی به آن می‌بخشید که مرز میان متن ادبی و مطبوعاتی گم می‌شد، اما اندک‌اندک این ویژگی از متن‌های مطبوعاتی رخت بست و متن‌های مطبوعاتی به جای آنکه از پیش تعیین شده و برنامه‌ریزی شده باشند، به سمت و سوی بداهه‌نویسی و

خلق السّاعة بودن پیش رفتند، به طوری که دیگر این ذوق نویسنده نیست که کوتاهی و بلندی سطرها را مشخص می‌کند، بلکه میزان اهمیت مطلب و فراز و فرود آن است که شکل و شمایل سطرهای متن مطبوعاتی را تعیین می‌کند.

ه) متن‌های مطبوعاتی به تدریج از نوع خطاب عام فاصله گرفته، شخصی شده‌اند؛ به سخن دیگر، می‌توان گفت متن‌های مطبوعاتی در سالیان اخیر، رنگ و بوی حالت‌های درونی نویسنده را به خود گرفته، به سوی جزئی‌نگر شدن پیش رفته است. استفاده مکرر از ضمائر متکلم در متون تفسیری و تحلیلی مطبوعاتی شاهدهی بر این مدعاست.

* «كانت هي المرّة الأولى في حياتي التي أتفائل بها بقدم حكومة و أغانر قناعتی الراسخة بأنّ السّلطة مفسدة: این نخستین بار در زندگی‌ام بود که به آمدن یک دولت خوشین بودم و این باور همیشگی‌ام را که قوه مجریه فساد آور است، کنار گذاشتم».

و) با دقت و تأمل در نوشته‌های مطبوعاتی سی سال اخیر درمی‌یابیم میزان مصادر منحوت که ساختگی هستند و باید با مجوز فرهنگستان زبان به حوزه زبان نوشتار راه یابند، به تدریج افزایش یافته است. همچنان که کلمات عامیانه و معرب جای خود را در نثرهای مطبوعاتی باز کرده‌اند (ر.ک؛ عبدالعزیز، بی تا: ۴۲).

کتالوج ← کاتالوگ

خارجی ← ديمقراطية ← دمکراسی

اکشاک ج کُشک ← باجه، دکه، کیوسک

مصادر استقطاب ← جذب کردن، اشتقاق از واژه قطب

ساختگی ← تعایش ← همزیستی، اشتقاق از واژه عیش

تهوید ← هویت یهودی بخشیدن به جایی یا کسی، اشتقاق از واژه

یهود

شومات ← شومه: چماق، چوبدستی. مجازاً به معنای استوار و قوی

عامیانه ← عربون ← رهن، گرو، بیعانه

استفاده از چنین کلماتی در مطبوعات در سال‌های اخیر به جایی رسیده است که بیشتر روزنامه‌های بزرگ و معتبر یک راهنمای نویسندگی و رسم‌الخط را در اختیار نویسندگان خود قرار می‌دهند و کلاس‌های ویژه‌ای را در این زمینه تدارک می‌بینند تا نشر خود را از آسیب آفت‌های زبانی حفظ کنند؛ به عنوان مثال، روزنامه *الرأی* با چاپ «الدلیل المرشد إلی أسلوب موحد فی الكتابة الصحفیه» سعی کرده است تا شیوه‌ای واحد را در نوشتار مطبوعاتی دنبال کند. کتاب‌ها و جزوه‌هایی که با عنوان غلط نویسیم (أکتب و لا تکتب، قُل و لا تَقُل) در دسترس اهالی فرهنگ و زبان قرار می‌گیرد، شاهدی است بر اینکه مسئولان فرهنگی کشورهای مختلف در این زمینه احساس خطر می‌کنند. چنین کتابچه‌هایی در زبان عربی به چند چیز توجه دارند:

الف) املا و رسم‌الخط که در فارسی با عنوان غلط نویسیم شناخته می‌شود.

ب) مسائل دستوری که باعث می‌شود نویسنده از الگوهای نحوی بیگانه پیروی نکند.

ج) اسلوب‌های بیانی و ضعف و قوت آن‌ها که باعث می‌شود تعبیرهای ضعیف به متن نویسنده راه نیابد.

د) کاربرد کلمات که به نویسنده نشان می‌دهد باید از کاربرد چه واژه‌هایی پرهیز کند.

۹. زبان معیار و زبان مطبوعات

زبان نخستین متن‌های مطبوعاتی فاصله چندانی با زبان معیار عربی نداشته است؛ زیرا اولاً نویسندگان مطبوعاتی از زبان و ادبیات عربی بهره‌ای وافر داشتند و از ادیبان دوره خود به شمار می‌رفتند. ثانیاً ساز و کار ویرایش در پیکره مطبوعات، توانا تر از زمان کنونی بود و دست‌اندرکاران امور مطبوعات در زمینه مسائل زبان حساسیت بیشتری داشتند.

با گسترش نفوذ زبان انگلیسی که در مقایسه با زبانی عربی از ساختارهای زبانی و الگوهای دستوری ساده‌تری برخوردار بود و نیز با توسعه سواد و افزایش تعداد مطبوعات و نیاز مخاطبان به تسهیل متون مطبوعاتی، زبان مطبوعات به تدریج از زبان عربی معیار فاصله گرفت، به گونه‌ای که هم‌اکنون زبان مطبوعات هویتی جداگانه یافته است و اگرچه

زیرمجموعه زبان فصیح به شمار می‌رود، ولی تفاوت‌های واژگانی و ساختاری زیادی با زبان عربی معیار دارد.

برای وضوح بیشتر این موضوع و لمس تفاوت‌های ساختاری زبان مطبوعات با زبان عربی معیار، به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم که آن‌ها را ذیل سه عنوان زیر تقسیم کرده‌ایم: ساختارهای سهولت‌آمیز، ساختارهای وارداتی، و ساختارهای برگرفته از زبان محاوره‌ای.

۹-۱) ساختارهای سهولت‌آمیز

۹-۱-۱) قرار گرفتن **إِلَّا** در جواب **إِذَا**

در زبان فصیح، «فاء» در جواب **إِذَا** قرار می‌گیرد، اما در زبان مطبوعات، **إِلَّا** در جواب **إِذَا** می‌آید و **إِذَا** به معنای **وَإِنْ** (هرچند، اگرچه) است:

* **إِذَا** كَانَ الْجَنَاحُ لَا يَمْتَلُونَ الصُّورَةَ الْحَقِيقَةَ لِشَبَابِ بِلَادِنَا فَإِنَّهُمْ يَضْرِبُونَ مَثَلًا صَارِخًا عَلِيَّ مَا يُمْكِنُ أَنْ يَصِيبَ الشَّبَابَ: اِغْرَابُ جَنَايَتِ كَارَانَ نَمَايَانِ كَرِ تَصْوِيرِ وَاقْعِي جَوَانَانَ سِرْزَمِينَ مَا نَبَاشَنَدُ، نَمُونَه‌ای بَارَزْ اَزْ سِرْنُوشْتِي رَا بَه تَصْوِيرِ مِي كَشَنَدُ كَه مُمْكِنُ اسْتِ كَرِييَانِكِيرِ جَوَانَانَ شُودُ.

* **إِذَا** كَانَ الْجَنَاحُ لَا يَمْتَلُونَ الصُّورَةَ الْحَقِيقَةَ لِشَبَابِ بِلَادِنَا إِلَّا أَنَّهُمْ يَضْرِبُونَ مَثَلًا صَارِخًا عَلِيَّ مَا يُمْكِنُ أَنْ يَصِيبَ الشَّبَابَ: هِرْچِنْدِ جَنَايَتِ كَارَانَ نَشَانَ دَهْنَدَةُ تَصْوِيرِ وَاقْعِي جَوَانَانَ سِرْزَمِينَ مَا نَيْسَتَنَدُ، اَمَّا الْكُورِي اَشْكَارِي رَا نَشَانَ مِي دَهْنَدُ كَه مُمْكِنُ اسْتِ جَوَانَانَ كَرْفَتَارِ اَن شُونَدُ.

چنان‌که در دو ترجمه مشاهده می‌شود، در متن رسانه که **إِلَّا** در جواب **إِذَا** قرار گرفته، باعث شده است **إِذَا** از معنای شرط خارج شود و به معنای **«هرچند»** ترجمه گردد.

۹-۱-۲) کاربرد **إِذَا** به جای **لَوْ**

در زبان معیار، **«لام»** در جواب **«لو»** قرار می‌گیرد، ولی در متون مطبوعاتی، در جواب **«إِذَا»** می‌آید (ر.ک؛ عبدالعزیز، بی تا: ۴۱).

* «و إذا استعرضنا كَيْفِيَّةَ إِدارة المصانع فى القطاع العام لَنكتشف لنا العجب: اگر چگونگی اداره کارخانه‌ها در بخش دولتی را بررسی کنیم، در شگفت خواهیم ماند».

* «و لو استعرضنا كَيْفِيَّةَ إِدارة المصانع فى القطاع العام لَنكتشف لنا العجب: اگر چگونگی اداره کارخانه‌ها در بخش دولتی را بررسی می‌کردیم، در شگفت می‌ماندیم».

چنان که مشاهده می‌شود، دو فعل مضارع التزامی (بررسی کنیم) و یک فعل آینده (در شگفت خواهیم ماند) از «إذا» برداشت شده است که ساختار «لو» چنین اجازه‌ای را به مترجم نمی‌دهد یا ذهنش را به آن سو هدایت نمی‌کند.

۹-۱-۳) الگوی نو برای ماضی نقلی

«قَدْ» بعلاوه فعل ماضی و «لَمَّا» بعلاوه فعل مضارع، الگوهای شایع ماضی نقلی مثبت و منفی بوده و هست. اما به تازگی الگوی دیگری در زبان مطبوعات به کار می‌رود که شاید در متون گذشته نیز وجود داشته است، ولی شیوع کاربرد آن در متون مطبوعاتی چشمگیر است. این الگو از: «سبق + و + آن + فعل ماضی / مضارع» تشکیل می‌شود (ر.ک؛ عبدالعزیز، بی تا: ۱۸۸): «هل قَدْ تَحَدَّثْتَ معهُ؟ آیا با او سخن گفته‌ای؟»؛ «هل سبق و أن تَحَدَّثْتَ معهُ؟ آیا در هنگام سخن گفتن با او از تو پیشی گرفت؟».

چنان که پیداست، تغییر اسلوب ماضی نقلی از ترکیب (قد + فعل ماضی) به (سبق + و + آن + فعل ماضی) باعث شده که مترجم بی تجربه به اشتباه بیفتد یا دست کم چنین ترجمه کند: «آیا سابقه داشت که با او سخن بگویی؟» که هر دوی این ترجمه‌ها معادل دقیق ماضی نقلی نیستند. به نظر می‌رسد که مناسب‌ترین ترجمه برای جمله دوم این باشد: «آیا تاکنون با او سخن گفته‌ای؟»؛ مانند این جمله: «لم یسبق (ما سبق) و أن أتحدَّثَ معهُ: تا حالا با او سخن نگفته‌ام».

۹-۱-۴) غلبه دادن جمله اسمیه بر فعلیه

برخلاف زبان‌های هندی اروپایی، مانند انگلیسی، فرانسه و فارسی که جمله اسمیه بیشترین کاربرد را دارد، در زبان عربی هم جمله اسمیه کاربرد دارد و هم جمله فعلیه. اما در زبان مطبوعات، بیشتر از جمله اسمیه استفاده می‌شود؛ زیرا:

الف) جمله اسمیه، توجه خواننده را بیشتر جلب می‌کند.

ب) جمله اسمیه در رساندن خبر به مخاطب، توانایی بیشتری دارد.

ج) جمله اسمیه بر ذهن خواننده تأثیر گذارتر است و ماندگاری بیشتری دارد.

این در حالی است که در زبان معیار عربی، هیچ گاه به این اندازه بر جمله اسمیه تأکید نشده است و شاید بتوان گفت روح زبان معیار عربی با جمله فعلیه هماهنگی بیشتری دارد. با این همه، باید گفت حتی در مقام خبررسانی موقعیت‌هایی وجود دارد که نمی‌توان جمله اسمیه را جایگزین جمله فعلیه کرد؛ به عنوان مثال، به این خبر توجه کنید که به دو صورت اسمیه و فعلیه بیان شده است:

* «الحرب بین آمریکا و روسیا قامت علی أشدها».

* «قامت الحرب علی أشدها بین آمریکا و روسیا».

محتوای این خبر و آنچه گوینده می‌خواهد در ذهن مخاطب بنشانند، این است که جنگ بین آمریکا و روسیه به اوج خود رسیده است. فرض این است که خواننده از این جنگ اطلاع دارد و اکنون اوج این جنگ به اطلاع او می‌رسد، در حالی که جمله اسمیه بر موضوع جنگ تأکید دارد، نه بر شدت آن. شاید بتوان گفت ترجیح جمله اسمیه بر فعلیه، نوعی تأثیرپذیری از زبان انگلیسی و فرانسه است.

۹-۱-۵) متعدی کردن فعل‌ها

برخی از فعل‌ها در عربی با حروف جرّ متعدی می‌شوند، اما برخی از نویسندگان مطبوعات بدون توجه به قاعده فوق، این فعل‌ها را بدون حرف جرّ متعدی می‌کنند؛ مانند:

* مطبوعاتی: «صرح أنه سعد بقاء الرئيس».

* معیار: «صرح بأنه سعد بقاء الرئيس».

- ترجمه: «وی تصریح کرد که به افتخار دیدار رئیس جمهور نائل آمده است».

در زبان معیار، برخی از فعل‌ها لازم هستند، اما در زبان مطبوعات، متعدی به کار می‌روند:

* مطبوعاتی: «شاط الكرة: توپ را پرتاب کرد».

* معیار: «شاط الفرس: اسب به سوی جنگ دوید».

آوردن مفعول برای فعل‌های لازم منجر به ترجمه آن فعل‌ها به صورت گذرا می‌گردد. این در حالی است که آن فعل‌ها اصلاً گذرا نیستند.

۹-۱-۶) متعدی کردن فعل به مفعول نامشهور

برخی از افعال بر اساس معنای فرهنگنامه‌ای خود محدودیت‌های دلالتی دارند و باید با مفعول‌های خاصی متعدی شوند؛ مانند فعل «أعلن» که برای اعلام خبر یا راز یا همانند آن به کار می‌رود. اما در زبان مطبوعات با مفعول‌هایی چون «مدینة» یا «قرية» به کار می‌رود و یا حتی دو مفعول می‌گیرد:

* «أعلنت الأمم المتحدة مدينة كذا منطقة آمنة: سازمان ملل متحد، فلان شهر را منطقه‌ای امن اعلام کرد».

در اینجا، فعل «أعلن» که باید با مفعولی از قبیل خبر یا راز (اعلام خبری یا فاش کردن رازی) می‌آمد، با دو مفعول «مدینة» و «آمنة» متعدی شده است. دو تغییر این فعل از تک‌مفعولی به دو مفعولی و مفعولی نامشهور گرفتن باعث شده است در ترجمه نیز تأثیر بگذارد و دو مفعول در ترجمه فارسی ذکر شود.

۹-۲) ساختارهای وارداتی

زبان مطبوعات ویژگی‌هایی دارد که آن را از زبان معیار و از زبان محاوره‌ای جدا می‌کند و هویت مستقلی به آن می‌بخشد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان مطبوعات، وجود واژه‌ها، ترکیب‌ها و ساختارهایی است که در زبان عربی سابقه نداشته، از زبان‌های خارجی وارد این زبان شده است (ر.ک؛ نجفی، ۱۳۷۵: ۱۴۵) و ما نام ساختارهای وارداتی را بر آن نهاده‌ایم. ساختارهای وارداتی به دو بخش «واژگان و ترکیب‌ها» و «اسلوب‌ها» تقسیم می‌شوند که هر یک از این موارد را با مثال شرح می‌دهیم تا هویت زبان مطبوعاتی و منابعی که از آن‌ها سرچشمه گرفته است، آشکارتر شود:

۹-۲-۱) در سطح واژگان و ترکیب‌ها

زبان مطبوعات که برخی آن را زبان معاصر یا زبان روز نامیده‌اند (ر.ک؛ عنانی، ۲۰۰۹م: ۸)، سرشار از واژگان و ترکیب‌هایی است که به اقتضای نیازهای علمی و اجتماعی جامعه وارد زبان می‌شوند. برخی از این واژگان به طور مستقیم از زبان‌های بیگانه وارد زبان عربی شده‌اند و برخی ترجمه یک مفهوم جدید هستند و گاه کلمات کهن معانی جدیدی به خود گرفته‌اند. در اینجا، به راهی که زبان مطبوعات یا زبان عربی معاصر پیموده است تا مفاهیم جدید را بپذیرد، به اختصار اشاره می‌کنیم:

۹-۲-۱-۱) اشتقاق از واژگان بیگانه

زبان عربی به دلیل ویژگی اشتقاقی که دارد، از واژه جدیدی که وارد زبان می‌شود، مشتقات زیادی می‌سازد و در حقیقت، هویت عربی به آن می‌بخشد. این کار، «نحت: تراشیدن» نام دارد و به چنین کلماتی، مصادر «منحوت: ساختگی» گفته می‌شود؛ مانند: «تَلْفَنَةٌ: تلفن کردن»، «بَرْمَجٌ: برنامه‌ریزی کردن» و ...

باب «فَعْلَلَةٌ» برای فعل‌های متعدی و باب «تَفَعَّلٌ» برای فعل‌های لازم، بیشترین کاربرد را در این زمینه دارد. همین کار در زبان فارسی از رهگذر ترکیب واژه جدید با یک واژه اصیل صورت می‌گیرد (ر.ک؛ ناظمیان، ۱۳۹۴: ۱۰۲).

۹-۲-۱-۲) ترکیب‌ها

ترکیب‌سازی در زبان مطبوعات بسیار گسترده بوده و هست و بخش عمده‌ای از نیازهای زبانی را مرتفع می‌سازد. بر اساس تجربه و کنکاش در فرهنگ‌نامه‌ها، ترکیب‌ها را به چند نوع تقسیم کرده‌ایم:

الف) ترکیب‌هایی که در عربی معاصر معنایی دارد که با معنای قدیم آن متفاوت است؛ مانند ترکیب «ضرب أخصاساً فی أسداس: یک پنجم‌ها را در یک ششم‌ها ضرب کرد» که «در عربی قدیم، درباره کسی گفته می‌شد که چیزی را نشان می‌داد و چیز دیگری را اراده می‌کرد، اما در عربی جدید، درباره کسی گفته می‌شود که در کار خود حیران است و نمی‌داند چه کند». این تفاوت و یا به عبارت دیگر، تحوّل معنایی، تأثیری مستقیم در درستی یا نادرستی ترجمه می‌گذارد و مترجم را به اشتباه خواهد انداخت.

ب) ترکیب‌هایی که عربی قدیم وجود داشت، ولی به سبب ثقیل بودن آن تغییر کرده است؛ مانند:

* قدیم: «ذَهَبَ فِي السُّهَى = وسط زمین و آسمان رفت».

* جدید: «ذَهَبَ وَرَاءَ الشَّمْسِ = به آن سوی خورشید رفت».

* مفهوم: «به دنبال چیزی که آن را نمی‌شناخت، رفت. به ترکستان رفت!».

ج) ترکیب‌هایی که به شیوه کنایه یا استعاره ساخته شده است و بر مفاهیم جدید دلالت دارد:

* «خفافيش الظلام = خفاش‌های تاریکی؛ گروه‌های جنایت‌کاری که شبانه فعالیت می‌کنند».

* «فاته القطار = به قطار نرسید؛ فرصت را از دست داد».

د) ترکیب‌هایی که مرکب از یک واژه اصیل و یک واژه بیگانه‌اند:

* «سيناريو الأحداث = سناریوی حوادث؛ برنامه‌ریزی و نقشه کشیدن برای انجام کاری، احتمال».

هـ) ترکیب‌هایی که ترجمه‌ای از معادل خارجی است:

* «غسیل المٌخ = شستشوی مغزی؛ Brain Washing».

و) ترکیب‌هایی که از اصطلاحات قماربازی گرفته شده است:

* «خلط الأوراق = مخلوط شدن ورق‌ها؛ مغالطه کردن، گمراه ساختن، پیچیده کردن».

* «الحصان الأسود = اسب سیاه؛ مانع بزرگ».

ز) ترکیب‌های مزجی (ر.ک؛ عبدالعزیز، بی تا: ۴۷)، مرکب از (لا + اسم یا صفت) و (ال +

لا + اسم یا صفت) که تأثیرپذیری از زبان انگلیسی است:

* «لامنطقی: Illogical - اللامنطقیة: اللامنطقی = بی منطقی».

ح) ترکیب مزجی مرکب از دو اسم مبهم دلالت‌کننده بر ظرف مکان؛ مانند:

* «صواریخ أرض - جو: موشک‌های زمین به هوا».

ط) ترکیب مزجی مرکب از «اسم + اسم + یاء نسبت» یا مرکب از دو اسم خاص:

* «العلاقات الأنجلو - مصریة = روابط انگلیسی - مصری».

* «آفرو - آسیوی = آفریقایی - آسیایی».

* «مشكلة الأردن - فلسطین = مشکل اردنی - فلسطینی».

ی) ترکیب مزجی مرکب از «اسم مبهم دلالت‌کننده بر مکان یا زمان + اسم + یاء نسبت»:

* «فوق البنفسجیة = ماوراء بنفش (فرا بنفش): Ultra Violet».

* «تحت الحمراء = مادون قرمز: Infra - red».

* «تحت السطحی = زیر پوستی: Sub-Surface».

گاهی الف و لام نیز به این ترکیب‌ها افزوده می‌شود: «العلاج بالأشعة فوق بنفسجیة:

درمان با اشعه فرا بنفش».

به جز ترکیب‌های مزجی که اصطلاح محسوب می‌شوند و باید به معادل آن‌ها در فارسی مراجعه کرد، بقیه ترکیب‌ها در طول زمان تحوّل یافته‌اند و این تحوّل معنایی غالباً در دامان مطبوعات پرورش یافته است. روشن است مترجمی که از این تحوّل آگاهی نداشته باشد، ترجمه درست و دقیقی ارائه نخواهد داد.

۹-۲-۱-۳) در سطح اسلوب‌ها

منظور از اسلوب‌ها، الگوهای نحوی هستند که از رهگذر ترجمه از زبان انگلیسی وارد زبان عربی شده‌اند. برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف) کاربرد «أی»

در زبان معیار عربی، «أی» اسم میهمی است که در مقام اسم استفهام یا موصول یا شرط یا صفت برای نکره قرار می‌گیرد، اما رواج گسترده آن در زبان مطبوعات به معنای «هیچ»، چشمگیر است که ترجمه کلمه Any در انگلیسی است و در مقام فاعل، نائب فاعل یا مفعول می‌آید (ر.ک؛ همان: ۵۶).

* «لايستطيع أن يتخذ أي قرار: هیچ تصمیمی نمی‌تواند بگیرد».

* «لم يُقنعهم أي شيء مما قيل: هیچ یک از چیزهایی که گفته شد، آنان را قانع نکرده است».

چنان‌که مشاهده می‌شود، «أی» در این دو جمله رسانه‌ای به جای معنایی از قبیل «کدامیک، کسی که، چیزی که و چه» در ترجمه به معنای «هیچ» آمده است.

ب) کاربرد شرط به معنای استفهام

یکی از تأثیرپذیری‌های نثر جدید عربی از زبان انگلیسی، کاربرد شرط به جای استفهام است که به تازگی گسترش زیادی پیدا کرده، حتی به آثار نویسندگان مشهور عرب نیز راه یافته است.

نوعی «If» در انگلیسی وجود دارد که به معنای استفهام است و مترجمان معادل آن را در عربی، «إذا» و «إن» شرطیه قرار داده‌اند و اگر مترجم عربی به فارسی با این الگو آشنا نباشد، ترجمه مبهم و نامأنوسی را ارائه خواهد داد. به این جمله‌ها و ترجمه فارسی آن‌ها دقت کنید:

* «لا أدري إن كانت قد نجحت في إمتحان الدّخول: نمی‌دانم در امتحان ورودی قبول شده است یا نه؟».

* «سأله إذا أحد جاء: از او پرسید آیا کسی آمده است یا نه؟».

* «لم نجد أيّ موقف حاسم يحدّد ما إذا كانت حملته الانتخابيّة موضع قبل: ما شاهد هیچ موضع‌گیری قاطعانه‌ای نبودیم که نشان دهد آیا فعالیت (تبلیغات) انتخاباتی او پذیرفتنی (و مورد قبول) بوده است یا نه؟».

در این سه جمله مطبوعاتی، به جای اینکه «إن» و «إذا» به معنای شرط «اگر» ترجمه شوند، به صورت استفهام ترجمه شده‌اند و جملات از معنای شرطی به استفهامی درآمده‌اند و اگر مترجم از این ویژگی آگاهی نداشته باشد، به یقین راه خطا را خواهد پیمود.

ج) آوردن فعل مجهول به همراه ذکر فاعل

در زبان معیار عربی، فعل مجهول در صورتی به کار می‌رود که فاعل نامعلوم باشد، اما در نثر مطبوعاتی، الگوی جدیدی شیوع پیدا کرده است که فعل مجهول می‌آید و فاعل به صورت مجرور به حرف جرّ یا مضاف‌إلیه کلمه «واسطه» یا «معرفه» ذکر می‌شود. به این مثال‌ها توجه کنید:

* «أبرمت هذه الإتفاقيّة من الطّرفين: این قرارداد از سوی دو طرف امضا شد».

* «قد وُزّعت هذه الرّسائل بواسطة الطّلاب: این نامه‌ها از سوی دانشجویان توزیع شده است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۶).

* «قبض على اللّصّ بمعرفة الشرّطة: با شناخت پلیس، دزد دستگیر شد».

ذکر فاعل در این جملات به همراه فعل مجهول باعث شده است تا فاعل به همراه افعالی همچون «شد» و «گردید» که در زبان فارسی، مجهول هستند، به کار رود. در ترجمه چنین جملاتی باید فعل مجهول به صورت معلوم و متعدی ترجمه شود و فاعل سر جای خود قرار گیرد؛ بدین صورت:

* «دو طرف، این توافقنامه را امضا کردند/ دانشجویان این نامه‌ها را توزیع کردند/ پلیس دزد را شناخت و دستگیر کرد».

د) وارد شدن دو حرف نفی بر سر یک فعل

در عربی معیار، هر حرف نفی بر سر یک فعل وارد می‌شود، اما در زبان مطبوعاتی و در تأثیرپذیری واضح از زبان انگلیسی، دو حرف نفی مربوط به دو زمان مختلف بر سر یک فعل می‌آیند و فقط یک واو بین آن‌ها قرار می‌گیرد:

* «قال بانه لا ولن يضيق بالمناقشات: وی اظهار داشت که نه اکنون و نه هیچ زمان دیگری از این جرّوبحث‌ها دلخور نخواهد شد (وی گفت که از این جرّوبحث‌ها دلخور نمی‌شود و در آینده نیز دلخور نخواهد شد)».

«لا»ی نفی بر سر مضارع، یا نفی معنای حال می‌دهد و یا نفی استقبال و تکرار آن در کنار «لن» در این جمله به این معناست که زمان حال مقصود آن است؛ چرا که اگر معنای مستقبل مقصود آن بود، دلیلی نداشت که با «لن» بیاید که برای مستقبل است. پس در ترجمه، هر چند یک فعل در عبارت وجود دارد، اما دو فعل منفی با دو زمان متفاوت باید آورده شود.

ه) کاربرد «حتی» در معنایی جدید

در عربی معیار، «حتی» در مقام حرف عطف یا حرف جر یا حرف ابتداء قرار می‌گیرد، اما در زبان مطبوعات، در معنایی جدید به کار رفته است (ر.ک؛ شرف، بی تا: ۵۹): «لم يفتح حتى الخطاب: نامه را هرگز باز نکرد؛ He did not open even the litter».

«لم يقبل الأستاذ حتى القاء المحاضرة: The professor did not even the speech»
استاد هرگز نپذیرفت که سخنرانی کند».

این «حتی» در زبان مطبوعات معادل کلمه even در انگلیسی است.

از معانی «حتی» در زبان معیار، «تا، تا اینکه و حتی» است و ترجمه حتی به صورت «حتی» مستلزم آن است که «حتی» بین دو چیزی بیاید که از نظر رتبه اختلاف دارند و یا رابطه کلّ و جزء دارند، ولی در اینجا، «حتی» به معنای «هیچ و اصلاً» به کار رفته است.

۹-۲-۱) کاربرد جار و مجرور به جای مفعول مطلق تأکیدی

در عربی معیار، برای نشان دادن قیدهای بیانی (سخت، بسیار، به شدت، به بهترین شکل، کاملاً، بی نهایت، تا حدی و...) از مفعول مطلق تأکیدی یا نائب مفعول مطلق استفاده می شود:

* «فرحت أُمّی برویتی فرحاً (کلّ الفرح): مادرم از دیدن من بسیار خوشحال شد».

در زبان مطبوعات، الگوی دیگری جانشین مفعول مطلق تأکیدی شده است که ترجمه «In The shape of» می باشد و ترکیبی از «حرف جر + مصدر یا صفت بیانی» است.
به مثال‌های زیر دقت کنید:

* «لقد احتجّ احتجاجاً شديداً = لقد احتجّ بشدة: به شدت اعتراض کرده است».

* «شارك محمد في هذا المشروع مشاركة فاعلة = شارك محمد في هذا المشروع بشكل فاعل: محمد حضور مؤثری در این طرح داشت».

کاربرد جار و مجرور به جای مفعول مطلق باعث شده است که همان اسلوب به ترجمه نیز منتقل شود. همچنان که در دو جمله فوق، کلمات «بشدة» و «بشكل» در ترجمه نیز تکرار شده است که برای پرهیز از این تأثیرپذیری، بهتر است که این گونه ترجمه کنیم:

- «به سختی اعتراض کرده است».

- «محمد به گونه‌ای تأثیرگذار در این طرح مشارکت کرد».

۹-۲-۱-۵) کاربرد اسم تفضیل (أكثر من مرة، أكبر منها)

* «أكثر من مرة»:

در اسم تفضیل، مفضلٌ علیه باید موضوع تفضیل را داشته باشد؛ مثلاً وقتی می‌گوییم «میز از صندلی بزرگتر است»، بزرگی صندلی را پذیرفته‌ایم و حجم بیشتری را برای میز اثبات کرده‌ایم.

«أكثر من مرة: بیش از یک بار» و «أكثر من واحد: بیش از یک نفر» دو تعبیری هستند که رواج زیادی در زبان مطبوعات پیدا کرده‌اند و ترجمه More than و More than once one می‌باشند.

در این دو تعبیر، نمی‌توان بیشتر بودن را برای مفضلٌ علیه، یعنی یک بار و یک نفر اثبات کرد. از این رو، با قواعد عربی معیار سازگار نیست و باید از ترجمه تحت‌اللفظی آن پرهیز کرد: «تسلل الجنود إلى الحصن أكثر من مرة: سربازان بارها به قلعه نفوذ کردند» (عبدالعزیز، بی تا: ۱۷).

۹-۲-۱-۶) کاربرد حروف جرّ جدید

در عربی معیار، هر فعل با حروف جرّ خاصی می‌آید و معنای مورد نظر را می‌رساند. این حروف جرّ کاملاً مشهور هستند و در فرهنگ‌های لغت، با ذکر مثال و شواهد برگرفته از قرآن و متون ادبی وارد شده است. در عین حال، زبان انگلیسی در این زمینه نیز تأثیر خود را نهاده است و برخی از پربسامدترین فعل‌های عربی با حروف جرّ تازه‌ای می‌آیند (ر.ک؛ سمیعی، ۱۳۷۵: ۱۶۲).

مطبوعاتی	فصیح
نظرة على القضية	نظرة إلى القضية
تخرج من الجامعة	تخرّج في الجامعة

۹-۲-۱-۷) رواج فعل «یشکل» به جای «يقف» و «يقوم»

فعل «یشکل»: تشکیل می‌دهد، به وجود می‌آورد» و مشتقات آن که ترجمه «It forms» است در زبان مطبوعات رواج زیادی یافته است:

* معیار: «هذا الموضوع يقف (يقوم) عائقاً أمامي: این موضوع مانعی در برابر من است».

* مطبوعاتی: «هذا الموضوع يشكل عائقاً أمامي: این موضوع مانعی را در برابر من به وجود می‌آورد».

در تفاوت بین این دو ترجمه، درمی‌یابیم که در زبان معیار، خود این موضوع در مقام یک مانع است، اما در زبان مطبوعات، این موضوع مانعی را به وجود نمی‌آورد. در واقع، فعل گذرا شده است.

۹-۲-۱-۸) کاربرد فعل «لعب» به جای «قام» و «مثل»:

در عربی معیار، برای نشان دادن مفهوم ایفای نقش از «قام بدور» یا «مثل دورا» استفاده می‌شود، ولی در زبان مطبوعات، اغلب از فعل «لعب بدور: نقشی را بازی کرد» به کار می‌رود:

* معیار: «قام بدور حاسم في هذه القضية = مثل دوراً حاسماً في هذه القضية: او در این مسئله نقش حساسی را ایفا کرد».

* مطبوعاتی: «لعب دوراً حاسماً في هذه القضية: او در این مسئله نقش حساسی را بازی کرد».

در واقع، جایگزینی فعل «لعب» به جای فعل «قام بدور» باعث می‌شود تا با آوردن معنای «بازی کرد» در ترجمه، جمله از معنای مثبت خود خارج شود و به معنای منفی نزدیک گردد؛ چرا که «بازی کرد» از افعال منفی به شمار می‌رود، حال اینکه «نقش مهمی داشتن» یک ویژگی مثبت است نه منفی.

۹-۲-۱-۹) عنوان‌های خبری

عنوان‌های خبری در زبان مطبوعات اغلب تحت تأثیر زبان انگلیسی قرار دارند. در اینجا، به دو نمونه از این تأثیرپذیری اشاره می‌کنیم:

الف) کاربرد مضارع اخباری برای زمان گذشته

در عنوان‌های مطبوعاتی عربی تحت تأثیر انگلیسی، برای اشاره به زمان گذشته از مضارع اخباری استفاده می‌شود؛ مانند:

* «أبومازن يلتقي شارون في شرم الشيخ: ابومازن با شارون در شرم‌الشیخ دیدار کرد».

* «الأمین العام للأمم المتحدة يطالب بموقف دولي حاسم من الإرهاب: دبیر کل سازمان ملل متحد موضع‌گیری قاطع جامعه بین‌المللی در برابر تروریسم را خواستار شد».

* «وزیر الخارجية يصل روماً لإجراء محادثات مع المسؤولين الإيطاليين: وزیر خارجه برای گفتگو با مقامات ایتالیایی وارد رُم شد».

در این سه جمله، به جای آوردن فعل ماضی از فعل مضارع استفاده شده است. اما در ترجمه باید به صورت ماضی ترجمه شوند؛ زیرا تمام آنها به اموری اشاره کرده‌اند که در زمان گذشته اتفاق افتاده است.

ب) کاربرد مضارع اخباری و ظرف زمان برای زمان به آینده

در عنوان‌های خبری عربی، برای اشاره به آینده از «سین» و «سوف» استفاده نمی‌شود، بلکه مضارع اخباری و ظرف زمان آینده به کار می‌رود، اما در ترجمه باید از فعل آینده استفاده کنیم؛ مانند:

* «الرئيس يشهد غدا حفل تخريج دفعة جديدة من الكلية الحریبة: رئیس جمهور فردا در جشن فارغ‌التحصیلی گروه جدیدی از فارغ‌التحصیلان دانشکده هوایی، شرکت خواهد کرد».

* «وزیر الخارجية یجری محادثات فی الخرطوم السبت المقبل: وزیر امور خارجه شنبه آینده در خارطوم گفتگو خواهد کرد».

۹-۲-۱۰) ترکیب فعل «جعل» + ضمیر مفعول + فعل اصلی

در زبان مطبوعات، ترکیب جدیدی از فعل جعل، ضمیر مفعولی و فعل اصلی وجود دارد که پیش از این سابقه نداشته است. در این حالت، جعل به صورت فعل کمکی درمی آید و معنای وادار کردن را می دهد:

* «جعله یکتب: او را وادار به نوشتن کرد».

در عربی معیار، برای نشان دادن عمل وادار کردن از فعل های أرغم، حمل علی، دفع الی استفاده می شود: أرغمه علی الكتابة، حمله علی الكتابة، دفعه الی أن یکتب».

۹-۲-۱۱) رواج فعل های مرکب

در زبان عربی، فعل به دلیل اشتقاقی بودن، اغلب بسیط است و فعل های مرکب عربی به عنوان تعبیر اصطلاحی مطرح هستند نه واژه. در یک صد سال اخیر، فعل های مرکب از رهگذر ترجمه از زبان انگلیسی و فرانسه وارد زبان عربی شده اند؛ مانند:

* **نام در زبان معیار:** «ذهب إلی النوم» در ربان مطبوعات که هر دو به معنای «خوابید» است. «أجاب: أعطی الجواب»، «اجتمع الناس: تمّ اجتماع الناس» و... .

در ترجمه این فعل های مرکب، بهتر آن است که از فعل بسیط استفاده کنیم تا میزان تأثیرپذیری متن ترجمه را از ساختارهای وارداتی کاهش بدهیم.

۹-۲-۱۲) ساختارهای برگرفته از زبان محاوره

در مقایسه با تأثیرپذیری از زبان های خارجی، تأثیرپذیری زبان مطبوعات از زبان محاوره ای کمتر است. در زبان مطبوعات، نفوذ زبان محاوره ای در صفحاتی که خواننده عام دارد، مانند صفحات ورزشی، صفحات مربوط به زنان و خانواده، بیشتر دیده می شود.

از واژه‌ها و اصطلاحات محاوره‌ای که بگذریم، برخی الگوهای زبان محاوره به زبان مطبوعات راه یافته است که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۹-۲-۲) کاربرد فعل لازم به جای مجهول

معروف است که مردم در زبان محاوره، برای سهولت بیان، به جای فعل مجهول از باب انفعال استفاده می‌کنند؛ مانند:

* «هذه المَطَاعِم قَدْ انْفَتَحَتْ هَذَا الشَّهْر: این رستوران‌ها در ماه جاری باز شده است».

* «أعلنوا أن مَصَائِف أُخْرَى انضربت هَذَا الصَّيْف: اعلام کردند که ییلاق‌های دیگر در تابستان امسال بسته شده است».

در زبان معیار، به جای «انفتحت» از «فتحت» و به جای «انضربت» از «ضربت» استفاده می‌شود.

۹-۲-۳) گاه به جای اسم تفضیل مقرون به «مِن» در زبان معیار، از وزن فعیل مقرون به «عَن» در زبان مطبوعات استفاده می‌شود:

* معیار: «لقد كان أخی أكبر مَنی».

* مطبوعاتی: «لقد كان أخی کبیراً عَنی».

۹-۲-۴) برای بیان مبالغه، گاه از وزن «فَعِيل» به جای صیغه‌های مشهور مبالغه استفاده می‌شود: «إنه لَعِيب کبیر: او بازیکن بسیار بزرگی است».

نتیجه‌گیری

۱- از آنجا که زبان مطبوعات یکی از مصداق‌های زبان معیار و فصیح به‌شمار می‌رود و بر آن تأثیر مستقیم می‌گذارد، باید به دور از خطا و لغزش باشد و اصول و مبانی نگارشی و ساختاری زبان و قواعد در آن رعایت شود، اما متأسفانه این زبان با به‌کارگیری الگوهای غیرمعیار، زنگ خطر و هشدار برای زبان معیار به حساب می‌آید که از جمله این الگوها می‌توان به مواردی از قبیل گسترش دایره اشتقاق، استفاده از الفاظ و

عبارات عامیانه، تأکید به خطاهای شایع و بی‌توجهی به تصحیح آن‌ها، با استدلال «غلط مشهور بهتر از صحیح محجور» و... اشاره کرد.

۲- تردیدی نیست که مطبوعات نقش مؤثری در تغییر و تحول زبان عربی داشته است. فاصله گرفتن زبان عربی معاصر از زبان خشک، جامد و بی‌تحرک فصیح تا حدود زیادی مدیون مطبوعات است و از آنجا که زبان معیار بر اثر عواملی چون شتابزدگی، دقت نکردن و رساندن مطلب به مخاطبان از هر طریق ممکن و... دچار آسیب‌های جدی شده است. پس قطعاً تأثیر نامطلوبی بر زبان معیار می‌گذارد و از سویی، تعدادی از مخاطبان زبان عربی تنها با حوزه رسانه، چه مطبوعات و چه رادیو و تلویزیون سروکار دارند. پس نشر مطبوعات، چه در کتابت و چه در تکلم آنان، تأثیر می‌گذارد.

۳- پایه و اساس زبان عربی معیار، اسلوب‌های نحوی و ساختارهای کلیشه‌ای است؛ یعنی ویژگی آن اسلوبی است و می‌توان آن را یک زبان ساختارمند و اسلوبی تعریف کرد که فراگیری نحو عربی به معنای شناختن همین اسلوب‌ها است؛ اسلوب‌هایی مانند اسلوب تعجب، مفعول مطلق، نواسخ، افعال مدح و ذم و...، اما زبان مطبوعات که از زبان انگلیسی تأثیر پذیرفته است، اساساً ساختارمند نیست؛ یعنی سنگ بنای آن، اسلوب نیست، بلکه این کلمه است که مفاهیم را بیان می‌کند؛ به عنوان مثال، افعال قلوب، تعجب، مدح و ذم یک ساختار ویژه ندارند که همه جا همان باشد، بلکه با کلمات مختلف می‌توان این مفهوم را رساند؛ به عبارت دیگر، به جای اینکه در زبان معیار بگوییم: «ها أجمل هذه الوردة!»، در زبان رسانه می‌گوییم: «أعجب من جمال هذه الوردة!».

۴- تفاوت‌های ساختاری زبان مطبوعات با زبان عربی معیار را می‌توان در سه بخش ساختارهای سهولت‌آمیز و ساختارهای وارداتی و ساختارهای برگرفته از زبان محاوره جای داد و از مهم‌ترین تفاوت‌های ساختاری بین این دو زبان، مقوله‌هایی چون قرار گرفتن «إلا» در جواب «إذا»، متعدی کردن فعل‌های لازم، کاربرد شرط در معنای استفهام، تکرار کلمات، کاربرد حروف اضافه جدید و شمار زیادی از این موارد است.

۵- مترجم با شناختن تفاوت‌های ساختاری و نحوی زبان معیار و زبان رسانه، از تأثیرگذاری این ساختارهای وارداتی می‌کاهد و از ورود آنها به متن ترجمه جلوگیری می‌کند.

منابع

- ایرانی، ناصر. (۱۳۷۵). «زبان فارسی را حفظ کنیم». *درباره زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حمزاوی، رشاد. (۱۹۹۱م.). *المنهجية العامة لترجمة المصطلحات و توحیدها و تنميطها*. بیروت: بی‌نا.
- حیدرزاده، توفیق. (۱۳۶۵). «نقش رسانه‌های همگانی در ترویج زبان علم و مشکلات موجود در ترویج زبان علم از رسانه‌ها». *مجموعه مقالات زبان فارسی زبان علم*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- الخطیب. جريدة «الحیاه»؛ ۲۰۱۲/۰۱/۱۰.
- خلیل، محمود وهیبة، محمد منصور. (۲۰۰۲م.). *إنتاج اللغة الإعلامية في النصوص الإعلامية*. القاهرة: كلية الإعلام.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۷). «الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات». *مطالعات ملی*. س ۹. ش ۳۳. صص ۳-۲۶.
- _____ . (۱۳۸۶). «آسیب شناسی زبان مطبوعات». *فصلنامه رسانه*. س ۱۸. ش ۷۲. صص ۹-۴۲.
- سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۷۵). «زبان محلی زبان شکسته و بهره‌گیری از فرهنگ مردم در صدا و سیما». *درباره زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شرف، عبدالعزیز. (بی‌تا). *المدخل إلى علم الإعلام اللغوی*. بی‌جا: بی‌نا.
- عبدالعزیز، محمدحسن. (بی‌تا). *لغة الصحافة المعاصرة*. قاهره: دار المعارف.
- عنانی، محمد. (۲۰۰۹م.). *فن الترجمة*. ج ۱۱. بیروت: مکتبه لبنان.

نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۵). «آیا زبان فارسی در خطر است؟». **دوباره زبان فارسی**. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

محمد، سیدمحمد. (۱۹۸۴م). **اللغة الإعلامية**. ط ۱. القاهرة: عالم الكتب.

ناظمیان، رضا. (۱۳۹۴). **روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی**. ج ۹. تهران: سمت.

